

## این کار من است یا کار تو

مادرخسته و کوفته از سر کار آمده است و در دست یک بسته سبزی خوردن و یک بسته سبزی قورمه دارد.



جام جم آنلاین: مادرخسته و کوفته از سر کار آمده است و در دست خود یک بسته سبزی خوردن و یک بسته سبزی قورمه دارد.

او می‌گوید: دلم می‌خواهد با بهترین و تازه‌ترین مواد برای خانواده غذا تهیه می‌کنم، اما این کارها زمان می‌برد. آدم خسته است و نیاز به کمک دارد ولی هیچ کدام از افراد خانواده به من کمک نمی‌کنند؛ حتی در حد یک همراهی چند دقیقه‌ای.

سعیده می‌آید و کلی حرف برایم دارد: «ماما، من می‌خواهم نماز بخوانم بعد درس‌هایم را بخوانم. اگر وقتی باقی بماند کمی هم می‌خواهم بازی فکری انجام دهم.» وقتی به اتاقش می‌روم و به صفحه کامپیوترش نگاه می‌کنم یک بازی در حال انجام است.

وقتی به حسین می‌گویم: مادر جان بیا کمی به من کمک کن تا سبزی خوردن سر سفره داشته باشیم، می‌گوید: ماما درس دارم. بعدش هم باید بروم چند تا نرم‌افزار بخرم، چون باید پروژه‌ام را ارائه بدهم. این پروژه مدت‌هاست که بهانه مناسب و دهان‌پرکنی برای طفره رفتن‌های حسین است.

بچه‌ها را با شوخی تهدید می‌کنم که از سبزی چیزی به آنها نمی‌دهم. آنها هم با گلایه پدر را واسطه می‌کنند و دست آخر همه کارها باز می‌ماند برای خودم.

انگار جایگاه من در خانه این است: —ارگر همه فن‌حریف! این احساسی است که شما به مادران می‌دهید. آیا می‌خواهید روابط خود را با مادرتان ظالمانه شکل دهید.

### بچه‌های حرف‌شنو

اگر می‌خواهید بچه‌ها مسوولیت کارهای خانه را بپذیرند و با بزرگتر شدنشان کارهای شما کمتر شود، آنها را درست تربیت کنید.

بچه‌ها زمانی کارهای خود را به صورت مطلوب انجام می‌دهند که مسئولیت‌ها به‌طور عادلانه در خانه تقسیم شده باشد. کارهایی برای فرزندان پسر و کارهایی برای فرزندان دختر، کارهایی برای پدر و کارهایی برای مادر.

رعایت اعتدال و عدالت در مسئولیت سپاری برای اجرای آن کمک زیادی به شما می‌کند.

نسترن دختر 24 ساله‌ای است که شرایط نابرابر خانه را هرگز نتوانسته است، بپذیرد. او می‌گوید: وقتی بچه کوچکی بودم برادری داشتم که چهار سال از من بزرگ‌تر بود. مادر و پدر همیشه از من می‌خواستند سفره را جمع کنم و به کارهای مختلفی رسیدگی کنم.

مثلا جوراب‌های او و پدر را بشویم و کفش‌هایشان را واکس بزنم. این درحالی بود که برادرم اگر صد تومان می‌گرفت تا برود نان بخرد، 50 تومانش را توی جیبش می‌گذاشت و این شده بود یک برنامه مشخص.

او در ازای پول کار می‌کرد و من رایگان. اگر کسی در می‌زد من باید از سر درسم بلند می‌شدم و در را باز می‌کردم، چون درس خواندن من مهم نبود. من با خودم می‌گفتم حتما بچه سرراهی این خانه هستم و آنها مرا دوست ندارند. وقتی بزرگ‌تر شدم دیگر از انجام کارهای خانه سرباز می‌زدم و به مادرم پرخاش می‌کردم.

### کودکانی توانمند

با پذیرش خطاها و تقویت توانایی‌ها می‌توانید مسئولیت‌پذیری کودک را پرورش دهید.

نادره دختری 12 ساله است و می‌گوید: وقتی به خانه خاله‌ام می‌روم، دوست دارم در همه کارها به او کمک کنم، اما اصلا دوست ندارم به مادرم کمک کنم. او زنی وسواسی است و مدام از من می‌خواهد هنگام کار در آشپزخانه به صورت ماسک بزنم و پی‌درپی دست‌هایم

را بشویم.

می‌خواهد همه چیز را به روش او انجام دهد و اگر جزئی‌ترین چیزها را هم رعایت کنم باز هم کار من را قبول ندارد. راستش خسته‌ام می‌کند و حس می‌کنم اصلاً مرا قبول ندارد و دوست ندارد به آشپزخانه‌اش وارد شوم، اما خاله‌ام مرا تشویق می‌کند اصول را می‌گوید و بقیه کار را به عهده خودم می‌گذارد و هر وقت نزد او می‌روم چیز جدیدی به من می‌آموزد و می‌گذارد در کارها ابتکار به خرج بدهم. اگر هم بد شود ناراحت نمی‌شود و می‌گوید ما هم زیاد از این اشتباه‌ها کرده‌ایم.

کاری که مادر نادره انجام می‌دهد سبب می‌شود که فرزندانش از کمک به او گریزان شوند. اگر می‌خواهیم کسی کاری را انجام دهد، در عین حال باید به خلاقیت و ابتکار او هم احترام بگذاریم و اجازه دهیم از کاری که می‌کند لذت ببرد. در عین حال اصول غیر قابل تغییر کار را نیز به او بیاموزیم.

## آغاز کار

اگر کودک طی سال‌های رشد و تکامل خود هرگز درنیابد که در چارچوب خانواده وظایف و مسئولیت‌هایی برعهده دارد، بدیهی است که در دوران بزرگسالی از زیر بار وظایف و مسئولیت‌های خود شانه خالی می‌کند. برای این کار مسائلی وجود دارد که باید برای فرزندان خود جا بیندازید.

من زندگی خودم را دارم

اگر می‌خواهید به آچار فرانسه خانه و گارسن بچه‌ها تبدیل نشوید باید زمانی را به خودتان اختصاص دهید.

والدینی که فاقد یک زندگی مجزا از فرزندانشان هستند به آنها می‌آموزند که دنیا حول محور آنها می‌چرخد. مهم است که از همان ابتدا، کودک یاد بگیرد که گاهی اوقات مادرش دوست دارد مطالعه کند و دوست ندارد بازی کند.

مطمئن باشید او می‌تواند خودش را سرگرم کند. این کار برای او هم خوب است. با او همدلی کنید، اما زمان خود را به خود اختصاص دهید.

از بازی تا کار

مسئولیت‌پذیری از بازی شروع می‌شود. با بچه نقش کودکی را بازآفرینی کنید که به مادر کمک می‌کند. از همان ابتدا از کودک بخواهید چیزها را سر جایی خود بگذارد و وسایل بازی خود را جمع کند.

با وجود آن‌که بازی می‌تواند فرآیندها و مهارت‌هایی را به کودک بیاموزد، ولی باید بتدریج کودکان را به فعالیت‌هایی غیر از بازی ملزم کرد.

خواستن توانستن است

کودک باید درک کند که قادر نبودن با راحت نبودن متفاوت است. کودکان فکر می‌کنند اگر از انجام کار لذت نبرند آن را باید والدین انجام دهند. این طرز فکر مانع از یادگیری این مطلب می‌شود که زندگی و مشکلات او، مسئولیت خود و نه فرد دیگر است.

افرادی که کارهای دشوار را گردن دیگران می‌اندازند یا از انجام آن سرباز می‌زنند از این گروه هستند.

والدینی که کودکانشان را از سختی کشیدن دور نگه می‌دارند، مسوول چنین رفتار توأم باشکست هستند. آنان باید با تشویق و تنبیه بجا حس مسوولیت را در فرزندان خود تقویت کنند.

سختی‌ها فکر را به کار می‌اندازند و تجربه ایجاد می‌کنند، چنان که می‌گویند احتیاج مادر اختراع است. کودک همچنین باید بیاموزد که هرکاری نتیجه‌ای دارد و اگر کم‌کاری کند عواقب آن یک جریان طبیعی است. (جام جم - ضمیمه چارودیواری)

ماندانا ملاعلی